



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ لَهُ خَيْرٌ نَاصِرٍ وَمَعِينٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ أَبَدَ الْأَبَدِينَ

قال الله تعالى: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

بارقتا السماء

في شرح حوادث واقعة الكساء

مشمتمل بر

مرقیتا دقیقتا

در اتحاد واقعه حدیث کساء در روایت ام سلمه و حضرت فاطمه علیها السلام

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشرف علی: داور المعارف الإلهیة

تحقیق و تدوین: پژوهشگر علوم معرفت الهی - بنیاد حیات اعلی

۱- حدیث آسمانی کساء نقلهای متعددی دارد، نقل مشهور میان عامه مسلمین از جناب امّ سلمه روایت شده است، و نقل معروف میان خاصّه مؤمنین هم از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام روایت گردیده، که در میان خواص اهل ایمان متداول است.

۲- شکی نیست که تعدد نقلها سبب تقویت این حدیث شریف و توجه بیشتر عموم به اعتبار و اهمیت آن می شود. در کلام شریف وحی آیات بسیاری مکررا نازل شده است، که نشانه تعدد کاربرد و تأکید محتوای آنهاست.

البته تکرار اتفاق واقعه حدیث کساء نیز محتمل بوده؛ و منعی برای تعدد وقوع آن ندارد، چه اینکه بازخداد آن در خلوت و جلوت و مجامع مختلف؛ سبب توجه و تأکید مفاد و اهمیت موضوع و شأن نزول حدیث کساء، و جلالت منزلت حضرات آل عباء علیهم السلام گردیده است، این تکرار رخداد باعث شده؛ تا گروههای مختلف و بیشتری از مردم زمان نزول وحی از فضیلت آن مطلع شوند.

همچنان که در احادیث همه فرق مسلمین بسیار نقل شده است: تا چندین ماه (از جمله تا هفده ماه) بعد از وقوع واقعه کساء؛ هر روز در هر پنج وقت نماز؛ خصوصا وقت نماز صبح؛ رسول الله صلی الله علیه و آله می آمدند در مسجد خودشان و می ایستادند مقابل درب خانه فاطمه و علی علیهما السلام و دو دستشان را دو طرف آستانه درب گذاشته و با صدای بلند اینطور سلام نموده: **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ**، سپس آیه شریفه

تطهیر را تلاوت می نمودند. تکرار روزانه و به مدت چندین ماه سبب معروف شدن روز واقعه کساء به "یوم الکساء" گردیده، و برای اطلاع رسانی وسیع و در منتهای درجه بوده است، که این امر خود دلالت آشکاری بر اهمیت موضوع دارد. چه اینکه اجتماع صبحگاهی مسلمین در مسجد شریف نبوی صلی الله علیه و آله مهمتر و بیشتر از سایر اوقات روز و شب شلوغ؛ و در سایر اوقات احتمال اشتغال و استراحت برای عموم بیشتر بوده، فلذا نماز صبح بعد از استراحت شبانه و قبل از شروع کار روزانه؛ بیشترین اجتماع شبانه روز مسلمین محسوب می شده است.

افزون بر اینها؛ نفس وقوع آن اجتماع نورانی و نزول انوار آسمانی خود برکاتی داشته است. وقتی امروزه (با گذشت بیش از ۱۴ قرن) مردم عادی با تکرار تلاوت و اجرای نقل و شرح حدیث کساء در مجالس مختلف؛ هر بار به برکاتی نو و تازه تر از برکات نوبت قبلی نائل می شوند، قطعاً تکرار رخداد واقعه اصلی با حضور انوار طیبه آل کساء علیهم السلام برکات و آثار گوناگون و فراوانی داشته است.

۳- با همه این تفصیلات؛ عقول مقصره از درک حکمت تعدد وقوع حدیث کساء عاجز؛ و تکرار رخداد آنرا استبعاد کرده اند، و از آنجا که نقل جناب ام سلمه میان عامه مسلمین متداول بوده؛ آن نقل را اصل و اساس و محور قرار داده؛ و نقل حضرت فاطمه علیها السلام را با آن مقایسه تا نکات و اسرار مذکور در این نقل (که امتیاز بر نقل ام سلمه دارد) را به بهانه نبودن در نقل و واقعه ام سلمه (که در معرض عموم بوده است) منکر

شوند. و تمام بهانه شان را برای اعراض یا تقطیع نقل فاطمی علیها السلام؛ قصور عقولشان از امکان اتحاد آن با نقل ام سلمه پنداشته اند.

۴- افزون بر شرح حکمتهای تعدد نقل یا تکرار وقوع واقعه و مستندات و شواهد آن؛ در این رساله شریفه برای هدایت این دسته (مقصره)؛ چگونگی امکان اتحاد نقل فاطمی علیها السلام و نقل ام سلمه را توضیح می دهیم، لعل الله یهدیهم الی سواء السبیل.

۵- (بنابر اتحاد واقعه دو نقل): واقعه حدیث کساء که مشتمل بر بشارات الهی است؛ هنگامی اتفاق افتاده است که همه پنج تن پاک علیهم السلام خانه جناب ام سلمه میهمان بوده اند.

۶- اجمال گزارش بیرونی این واقعه از ام سلمه نقل شده، و زینب (دختر ام سلمه) و عایشه و صفیه (زوجه نبی صلی الله علیه و آله) هم شمه ای از گزارش بیرونی همین واقعه را (مستقیماً یا به واسطه از ام سلمه) نقل کرده اند، اما تفصیل کامل گزارش اندرونی واقعه فقط از حضرت زهراء علیها السلام نقل شده است، که در داخل کساء بوده اند، و این همان روایت معروف و مشهور مشتمل بر بشارات الهی مترتب بر تلاوت و مذاکره این حدیث آسمانی است. و چه جای مقایسه بین ارزش گزارش بیرونی مختصر و پراکنده؛ و بین گزارش اندرونی مفصل و منسجم و متمرکز بر بیان ارکان واقعه؟!

۷- آنچه مانع تصور مقصره و سبب قصور ادراک ایشان در این موضوع شده است؛ مشروط کردن نقل فاطمی علیها السلام به وقوع آن در خانه حضرت

زهراء عليها السلام است، در حالي که در گزارش حضرت صديقه عليها السلام تصريحی ندارد که در واقعه کساء حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله وارد خانه حضرت فاطمه عليها السلام شده اند، بلکه از حضرت زهرا عليها السلام نقل دارد: پدرم بر من وارد شدند، و این منافاتی با روایت جناب ام سلمه نداشته و با میهمان بودن همگی خمسه طيبه عليها السلام در خانه جناب ام سلمه قابل جمع است.

از طرفی اصرار مشروط کنندگان نقل فاطمي عليها السلام به وقوع آن در خانه حضرت زهراء عليها السلام بخاطر شرافت و امتیاز این خانه مبارکه است، که خواسته اند به زعم خود امتیازی برای این واقعه قائل بشوند، البته شکی در شرافت و امتیاز خانه وحی (بیت فاطمه عليها السلام) نیست؛ ولی باید بدانیم که این شرافت بخاطر انتساب این خانه به حضرات پنج تن عليها السلام و جایگاه ایشان بودن است نه بیشتر، که شرف مکان بالملکین، و در واقعه کساء؛ امتیاز واقعه به ماهیت تطهیر خاص الهي آن؛ و صاحبان طاهر و مطهر این واقعه (که در شأن ایشان رخ داده) است می باشد، جانب آسمانی آن: حق تعالی و طهارت الهي نازله، و جانب زمینی آن: اهل بیت عصمت و طهارت عليها السلام است، فلذا رخداد این واقعه در بیرون این خانه؛ هیچ کاستی در امتیازات آن نمی آورد.

بلکه رخداد واقعه کساء در خانه ام سلمه (با ناظر بودن دیگر کسانی که برای حضور در زیر کساء نپذیرفته شده اند) حکمتی علاوه و ممتاز دارد، و این معنی را می رساند که: با اینکه آن ناظرین از ساکنان خانه های پیامبر صلی الله علیه و آله بوده، مثل زوجات و دیگر دختران و خویشان و ریبیه

(دخترخوانده) نبي ﷺ و خادم و خادمه آن خانه ها، وعلیرغم درخواستشان؛ از حضور زیر کساء منع شده اند. وقوع این واقعه با این تفصیل و در خانه ام سلمه سبب شده؛ تا از تحریف معنوی مفهوم واقعه کساء و تعمیم آن به ظاهر کلمه اهل (ساکن) و بیت (خانه) مانع گردیده و بر همگان معلوم باشد که این واقعه و طهارت الهیه و آیه تطهیر مختص حضرات پنج تن ﷺ می باشد، و مقصود از آن تنها اهل بیت خاص پیامبر ﷺ است نه اطرافیان عام او از ساکنان خانه ها و نزدیکانش.

۸- این واقعه جزئیات و حوادثی مقدماتی و جانبی دارد؛ که احادیث این باب هر کدام به برخی از آنها پرداخته اند، مثل: رفت و آمد افراد متعدد در نزدیک محل واقعه، و نحوه فرستادن حضرت رسول الله ﷺ به دنبال اهل بیت ﷺ، و شخصی که برای خبر کردن و دعوت به آمدن آنها فرستادند، و پذیرایی حضرت فاطمه ﷺ از حضرت نبوی ﷺ و اهل بیت ﷺ در آغاز واقعه، و حضور میکائیل ﷺ و پذیرایی آسمانی او در آخر واقعه، فلذا پرداختن يك روایت و نقلی به برخی از جزئیات واقعه؛ و عدم ذکر آنها در دیگر نقلها؛ به معنی عدم صحت آن جزئیات ماجرا؛ و یا تعارض این روایات نیست، همچنان که تمرکز بیان حضرت فاطمه زهراء ﷺ روی توصیف بدنه اصلي و ارکان واقعه؛ و تشریح وقایع مرتبط با اهل کساء؛ و حوادث اندرونی کساء و جهات آسمانی آن؛ بخاطر اهتمام به اصول و ارکان واقعه کساء بوده، و به منزله نفي جزئیات بیرونی و حواشی مذکور در نقلهای دیگر نیست.

۹- جامع الوقایع: سیر رخدادهای واقعه کساء که در نقلها و روایات متعدد بطور متفرق ذکر شده است؛ ما در اینجا یکجا و پیوسته نقل می‌کنیم، تا پراکندگی نقل آنها سبب تحیر و تشویش اذهان و قصورشان از احاطه به نقل کامل واقعه؛ و دستاویز برای ایهام مقصره نگردد.

بنا بر اتحاد واقعه (روایت شده توسط حضرت صدیقه کبری عَلَيْهَا السَّلَامُ و واقعه روایت شده توسط جناب امّ سلمه) شرح مختصر و کامل کلیات واقعه حدیث کساء می‌تواند چنین بوده باشد که:

حضرت خاتم الأنبیاء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روزی عایشه و خانه او را ترک کردند تا به مجلس نزول آیه تطهیر بروند، و در وقت رفتن کساء (خیبری) را همراهشان داشته، و به منزل جناب امّ سلمه رفتند، و این رفتن طوری بوده که برخی نزدیکان حضرت مطلع شده اند که بناست خبر خاص و واقعه مهمی اتفاق بیافتد، از این رو حضور برخی زنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ چون صفیه؛ و خویشانی چون عبدالله جعفر؛ و منسوبینی چون زینب (دختر ام سلمه و ربیبه و دخترخوانده حضرت؛ و نیز برخی اصحاب را می‌بینیم که در نقلها آمده) که در خانه ام سلمه حاضر بوده اند.

هنگامی که حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مشاهده نمود رحمت خدا در حال نزول است فرمود: نزد من فرا خوانید! صفیه (زوجه) گفت: یا رسول الله چه کسی را نزد شما فرا خوانیم؟ فرمود: اهل بیت: علی، فاطمه، حسن و حسین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را. سپس پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: چه کسی می‌خواهد او را دنبال کسانی بفرستم؟ زینب (دختر ام سلمه) گفت: من ای رسول خدا،

پس حضرت پیامبر ﷺ فرمودند: علی و فاطمه و حسن و حسین را برایم
 بخوان. در آن وقت حضرات خمه طیبه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ همه یکجا نبوده اند، ولذا
 هر کدام را جداگانه به دعوت حضرت پیامبر ﷺ خبر داده اند، و وقتی
 هم که ایشان از دعوت نبوی ﷺ مطلع شده و عزم تشریف پیدا کردند؛
 همه با هم و مجتمعا به آنجا نرفته، و یکی یکی حاضر شده اند. در
 فاصله خبر کردن و اجتماع پنج تن عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛ نبی اکرم ﷺ در خانه ام
 سلمه نمانده و برای کاری به مسجد شریف رفته بودند. خانه ام سلمه
 مجاور مسجد نبوی ﷺ و به اندازه يك خانه فاصله داشته است.
 بعد از این دعوت و خبر رسانی برای این اجتماع؛ اول از همه حضرت
 زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ به خانه ام سلمه تشریف برده اند، وقتی وارد خانه ام سلمه
 شدند؛ وی در خانه اش اتاقي را برای اجتماع حضرات اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
 اختصاص می دهد، بعد از آن که صدیقه کبری عَلَيْهَا السَّلَامُ در آن اتاق مستقر
 می شوند؛ حضرت رسول الله ﷺ به خانه ام سلمه باز می گردند، و به
 سراغ دخترشان رفته و بر او در آن اتاق وارد می شوند، از اینجا به بعد؛
 بقیه وقایع (که در نقل فاطمی عَلَيْهَا السَّلَامُ حدیث کساء آمده) رخ داده است،
 که بیان می کند از حضرت زهراء عَلَيْهَا السَّلَامُ (در خانه ام سلمه) که: دَخَلَ عَلَيَّ
 أَبِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي بَعْضِ الْأَيَّامِ ... الحدیث. (ترجمه) در برخی از روزها
 پدرم رسول خدا ﷺ بر من وارد شدند... و ادامه حدیث آسمانی و نزول
 عطایای الهی و آیت عظیمه قرآنی **تطهیر** هم که معروف است.
 وقتی حاضران خانه ام سلمه صدای پیامبر ﷺ را می شنوند که نزول

رحمت الهي نزيك است؛ و اين اجتماع مخصوص اهل بيت پيامبر ﷺ است، از ميان ايشان ام سلمه و دخترش (و به روايتي صفيه از زنان حضرت) كه در آنجا حاضر بوده اند (به اميد نيل به شرافت مرتبه طهارت الهي و كرامت آيه تطهير) از پيامبر ﷺ اذن ورود به جمع زير كساء را مي نمايند، اما حضرتش به آنها اجازه ورود نداده و ايشان را برگردانده و دعاي عاقبت به خيري در حقشان مي فرمايند.

۱۰- برخي از رخدادها و نكات واقعه كه جاي توصيف دارد:

➤ **حضور ميكائيل:** در روايتهاي ام سلمه از واقعه كساء نقل شده است كه: در خانه من نازل شد آيه: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ در حاليكه در اتاق هفت نفر بودند: جبرئيل و ميكائيل عليه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و علي و فاطمه و حسن و حسين عليه السلام، و جبرئيل عليه السلام املاء مي نمود و حي را بر رسول الله صلی الله علیه و آله و رسول الله صلی الله علیه و آله املاء مي نمود و حي را بر علي عليه السلام.

در اين روايت بجز نحوه نزول و ابلاغ و حي بوسيله جبرئيل عليه السلام؛ حضور ميكائيل عليه السلام هم در زير كساء و همراه اهل بيت عليه السلام ذكر شده است.

حضور ميكائيل عليه السلام جهات مختلفي مي تواند داشته باشد:

(الف): به عنوان همراهي جبرئيل عليه السلام.

(ب): جنبه تشريفي و براي تكريم اهل بيت عليه السلام بوده باشد.

(ج): هرچند جبرئيل عليه السلام مأمور آوردن طبق ميوه بهشتي بوده؛ ولي از آنجا كه ميكائيل عليه السلام فرشته متصدي ارزاق عالم هستي؛ و جزو چهار ملك

مقرب الهي است؛ فلذا امکان دارد که وي موکل امر پذيرايي آسماني از اهل کساء بوده باشد، و از اين رو در جمع اهل کساء حضور داشته است. در هر صورت؛ حادثه پذيرايي با ميوه بهشتي اگرچه امر مهمي است؛ ولی از ملحقات واقعه کساء بوده؛ و جزو ارکان واقعه تطهير نيست.

در نقل فاطمي عليها السلام تمرکز بيان بر ذکر نام افراي بوده که حضورشان در تحقق واقعه کساء رکنيت داشته است: حضرات خمسه طيبه عليهم السلام که موضوع آيه تطهير بوده اند؛ و جبرائيل عليه السلام که پيام آور تطهير است، و در واقع ماجراي کساء با نزول وحی و پيام الهي و آيت تطهير (با حضور جبرائيل عليه السلام) محقق شده است؛ ولذا حضورش رکنيت داشته و مي بينيم همين امر سبب اکتفاء حضرت زهرا عليها السلام در گزارششان به ذکر نام جبرئيل عليه السلام و عدم ذکر نام ميکائيل عليه السلام گرديده است. اما نقل ام سلمه که مبتني بر گزارش کلي از نزول آيه تطهير و حاضرین واقعه کساء و حوادث و نکات جانبي آن بوده؛ به گزارش اين امر پرداخته است.

با همه ضرورت و رکنيت حضور جبرائيل عليه السلام در واقعه کساء؛ ولی در عين حال مي بينيم که وي برای هبوط به زمين و حضور در جمع اهل کساء عليهم السلام از حضرت حق جل شانۀ رخصت طلبيده؛ و بعد از اذن الهي هبوط مي نمايد، و همينطور برای ورود تحت الکساء و همراهي حضرات اهل بيت عليهم السلام؛ ابتدا بر حضرت رسول الله صلى الله عليه وآله سلام نموده؛ سپس از حضرتش اجازه پرسيده، و بعد از اذن نبوي صلى الله عليه وآله در جمع ايشان حاضر مي شود، بديهي است که جناب ميکائيل عليه السلام هم (ولو مأموريت الهي پذيرايي

آسمانی اهل کساء عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را داشته) ولی در عین حال برای هبوط به ارض؛ از حضرت خداوند جلیل اجازه طلبیده؛ و بعد از رخصت حق به زمین هبوط نموده، همچنین برای ورود تحت الکساء و همراهی حضرت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نیز بر حضرت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سلام نموده؛ و از حضرتش اجازه پرسیده؛ و بعد از اذن نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در جمع ایشان حاضر شده است.

بنابراین فقرات مربوط به این موارد که در رابطه با جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ در حدیث کساء (نقل فاطمی عَلَيْهَا السَّلَامُ) آمده؛ عینا یا مشابه آن نیز باید نسبت به میکائیل عَلَيْهِ السَّلَامُ اتفاق افتاده باشد، که در روایت اصلی واقعه و حدیث کساء بوده است، اما چون در نقل فاطمی عَلَيْهَا السَّلَامُ تمرکز بر بیان ارکان واقعه (نزول آیه تطهیر و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ و مناجات نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و کلمات الهی و بشارات جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ و نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بوده؛ دیگر فقرات مربوط به میکائیل عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل نشده است.

این فقرات ممکن است چنین بوده باشد:

ثُمَّ اسْتَأْذَنَ مِيكَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا رَبِّ أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ لِأَكُونَ مَعَهُمْ سَابِعًا؟ فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ، فَهَبَّطَ مِيكَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ لِأَبِي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ فَقَالَ أَبِي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا مِيكَائِيلُ؛ يَا أَمِينَ رِزْقِ اللَّهِ، نَعَمْ، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ، فَدَخَلَ مِيكَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَنَا تَحْتَ الْكِسَاءِ.

◀ **کساء شناسي يا توضیحي درباره کساء:** در لغت عربي کساء به معني پوشش است، و مقصود از آن: پارچه اي با جنس مويي يا پشمي يا پنبه اي؛ و معمولا با شکل مربع مستطیل و به عرضي حدود دو متر و طولي حدود سه متر است، که کاربردهاي متعددي از جمله رداء و عباء و روانداز و زیر انداز و پوشاندن محل يا شخص يا اشخاص يا اشیاء دارد، و بطور خلاصه: پوششي همه کاره؛ که در زندگي قدیم کاربرد فراواني داشته، و از ملزومات فردي هر شخصي بوده است، امروزه هم اين وسیله هنوز متداول بوده، هر چند نام و عنوان و کاربرد آن در زندگيهای مدرن شهري؛ مقداري محدود يا متفاوت شده است.

با ملاحظه مجموع روایات حدیث کساء مي بینیم که دو توصیف برای کساء مورد استفاده در این واقعه ذکر شده است: خيبري و يمانی.

کساء خيبري: که از موي بز بافته شده بوده، و رنگ آن هم (طبق معمول و غالب این جنس) سیاه بوده است.

سبب توصیف خيبري آن به دلیل این بوده که در فتح خيبر بدست حضرت پیامبر ﷺ رسیده است.

گفته مي شود که این کساء از ميراث حضرت هارون نبي الله ﷺ بوده که نزد ذريه وي در میان يهود خيبر به عنوان تبرك و افتخار حفظ مي شده است.

از آنجا که محل بدست آمدن و نگهداري این کساء در ناحیه فدک از نواحی خيبر بوده؛ به نام "کساء فدکي" نیز توصیف مي شده است.

این کساء که جزو موارث نبوت شمرده شده، در وقت عدم کاربرد؛ نزد ام سلمه نگهداری می گردیده است. بعد از جناب خدیجه علیها السلام؛ جناب ام سلمه گنج بان برخی موارث نبوت بوده است.

مأموریت نگهداری و گنج بانی برخی موارث نبوت و ولایت؛ از سوی انبیاء و اوصیاء الهی علیهم السلام؛ از آغاز تا انجام؛ مرسوم بوده، که به برخی از بانوان خاندانشان (بطور موقت یا پیوسته) می سپرده اند؛ تا آنها را نگهداری؛ و در وقت نیاز ارائه؛ یا به امام بعدی منتقل نمایند.

این کساء صبح روز واقعه همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بوده، و وقتی عایشه را ترک نمودند تا در مجلس نزول آیه تطهیر (در خانه ام سلمه) شرکت کنند، آن را همراه خود داشته اند، و در خانه ام سلمه هم ابتدا در وقت استراحت و اطعام قبل واقعه کساء زیر انداز حضرتش بوده، و برای رخداد واقعه کساء نیز زیر انداز همه اهل کساء علیهم السلام بوده است.

کساء یمانی: این کساء منسوب به یمن؛ به لحاظ نوع بافت و شکل آن بوده، و از همین روی یمانی نامیده شده، و رنگ آن سپید بوده است.

این کساء یمانی ظاهراً پوششی معمولی نبوده؛ و به عنوان شیء مخصوصی نزد حضرت فاطمه زهراء علیها السلام نگهداری می شده است.

در واقعه کساء نیز حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله کساء یمانی را از دخترشان خواسته اند تا آورده و ایشان را با آن بپوشاند، در وقت رخداد واقعه کساء و نزول آیه تطهیر؛ این کساء پوشش رویین اهل بیت علیهم السلام بوده و ایشان زیر این کساء اجتماع نموده بودند.

◀ **طعام نورانی آغاز واقعه کساء:** از دیگر حوادث جانبی واقعه کساء (که قبل از اجتماع اهل بیت علیهم السلام تحت الکساء اتفاق افتاده) اینکه حضرت زهراء علیها السلام بعد از آمدن پیامبر صلی الله علیه و آله ایشان را با غذایی مقوی پذیرایی نموده اند، که با ضعف جسمی پیامبر صلی الله علیه و آله (که در ابتدای ورود اظهار نموده و در نقل فاطمی علیها السلام بیان شده) مناسبت دارد، و این اقدام (مذکور در نقل ام سلمه)؛ در حقیقت مکمل فقره "اعیذک باللہ من الضعف" (در روایت فاطمی علیها السلام) است، و این معنی را می رساند که حضرت زهراء علیها السلام با اطلاع از ضعف جسمی پدر؛ به دعا و تعویذ اکتفا ننموده؛ و با تدارک فوری غذایی سبک و مقوی نیز آنها را چاره نموده اند.

ظاهراً طبخ آن نیز در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله (در حالیکه در انتظار بقیه اهل بیت علیهم السلام استراحت می نموده اند) انجام شده است.

این طعام غذایی مخصوصی به نام خزیره بوده است. که نوعی غذایی مطبوخ و رقیق می باشد که با گوشت ریزشده و آب و نمک طبخ گردیده؛ و به آن آرد هم افزوده می شود تا قوام پیدا کرده و یکدست گردد.

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام غذا را در دیگی سنگی پخته، و وقتی غذا آماده شد؛ آنها در ظرفی سفالی بر روی طبقی آوردند، تا از پدرشان با آن پذیرایی کنند، با تقدیم غذایی مزبور؛ حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله از دخترشان خواستند که صبر نموده تا مولا علی و سبطین علیهم السلام هم بیایند و همگی با هم میل کنند، ام سلمه نقل کرده بعد از آمدن ایشان؛ پنج تن علیهم السلام با هم از آن غذا میل نموده، و پس از آن واقعه کساء اتفاق افتاده است.

پذیرایی آسمانی خاتمه واقعه کساء: ام سلمه در روایتی از گزارش واقعه کساء نقل نموده که جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ بعد از نزول آبه تطهیر و اتمام واقعه کساء؛ برای خمسه طیبه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ طبقی (آسمانی) آورد که در آن انار و انگور بود؛ وقتی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از آن میوه ها برای خوردن برداشت؛ آن میوه ها در دستان حضرتش به تسبیح حق گویا شدند، سپس هر کدام از اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ از آن میوه ها برداشته تا بخورند؛ آن میوه ها در دستانشان به تسبیح درآمدند، در این بین یکی از صحابه وارد شده و خواسته از آن میوه ها بخورد؛ پس آن میوه در دست او تسبیح نگفت، در این هنگام جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: از این میوه ها تنها کسی می تواند بخورد که نبی باشد یا وصی نبی باشد یا فرزند نبی باشد.

نحوه اجتماع تحت الكساء: اگرچه در ابتدای ورود؛ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ (به علت احساس ضعف) آرمیده و حضرت زهراء عَلَيْهَا السَّلَامُ ایشان را با کساء یمانی پوشانده، و سبطین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ هم نزد جدشان رفته و نزد او آرمیده باشند، اما پس از اجتماع خمسه طیبه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ تحت الكساء؛ ابتدا برای صرف طعام همگی نشسته، و بعد از تناول این مائده نورانی فاطمی عَلَيْهَا السَّلَامُ همه پنج تن عَلَيْهِمُ السَّلَامُ برای مناجات نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و نزول و وحی الهی نیز در حالت نشسته بودند. صورت نشستن نیز چنین بود: حضرت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در میانه؛ و سبطین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را در دامان خود (امام حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ روی ران راست و امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ روی ران چپ) نشانده، و حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ را در بغل راست و حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را در بغل چپ خود گرفته؛ و با جمع کردن طرفین کساء به گرد ایشان؛ و اشاره نمودن با انگشت راست به سوی آسمان؛ مناجات با حق را آغاز نمود.

۱۱- تفاوت نقل گزارشگران واقعه کساء به سبب تفاوت نوع ارتباطشان با این واقعه است:

◀ تمرکز حضرت فاطمه زهراء و صدیقه کبری عَلَيْهَا السَّلَامُ در گزارش از واقعه کساء روی بدنه اصلي واقعه (آمدن حضرات اهل کساء عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و اجتماعشان تحت الكساء و بیان کلام نبوي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و جبرائیلی عَلَيْهِ السَّلَامُ و آوردن کلام و بشارت الهي و شمه ای از اسرار و برکات آن) می باشد. نقل این موارد بخاطر اهمیت دادن به این نکات است که جوهر و ماهیت واقعه می باشد، تا اینکه جوهر حقیقی و متن اصلي واقعه لا بلای گزارش امور جزئی و حاشیه ای و بیرونی گم نشود، نه اینکه نفی آن جهات جزئی و حواشی ماجرا باشد.

▶ جناب ام سلمه با اینکه میزبان واقعه کساء بوده؛ و بیشترین روایات درباره واقعه کساء به او منتهی می شود؛ و در گزارشهایش نیز رخدادهای متعددی در ارتباط با آنرا نقل نموده، اما بیشتر به اصل ماجرای آمدن پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به خانه خود و اجتماعشان تحت الكساء پرداخته؛ و درخواست خودش (برای حضور زیر کساء) که قبول نشد؛ و برخی از وقایع دیگر (مرتبط به واقعه) را نیز نقل کرده، اما جزئیات وقایع تحت الكساء؛ و تفصیل فضائل و کلام آسمانی نازل را چون حاضر نبوده در روایتش نیاورده، و لذا می بینیم که ماجرای نزول آیه تطهیر در فضیلت پنج تن پاک عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را که از دور ناظر بوده (بدون نقل جزئیات و تفصیل مناجات و بشارت) به نحو کلی نقل نموده است.

همنظور زینب (دختر ام سلمه) که در خانه مادرش حضور داشته؛ در نقلش از این واقعه بیشتر به بیان ماجرای آمدن پیامبر ﷺ؛ و این سخن حضرتش (که چه کسی داوطلب فراخواندن اهل بیت ﷺ می شود)؛ و اینکه خود وی داوطلب رفتن برای ابلاغ این دعوت شده است، و نیز درخواست خودش برای حضور زیر کساء (که قبول نشد) پرداخته است، و او نیز جزئیات واقعه را (به علت عدم حضور خود تحت الکساء) طبیعتاً مفصل نقل نکرده؛ و آنچه را که از دور ناظر بوده (اجتماع اهل بیت ﷺ تحت الکساء و نزول آیت تطهیر در فضیلتشان) به نحو اشاره گزارش کرده است.

صفیه (زوجه نبی ﷺ) نیز در روایتش از واقعه کساء بیشتر به بیان ماجرای آمدن پیامبر ﷺ و این سخن حضرتش که آنها را فراخوانید؛ و اصل اجتماع اهل بیت ﷺ تحت الکساء و نزول آیت تطهیر در فضیلتشان پرداخته است. اما وی نیز جزئیات واقعه را (به علت عدم حضور خود تحت الکساء) طبیعتاً مفصل نقل نکرده است.

عایشه نیز در خبرش از واقعه کساء تنها به آنچه خودش مطلع بوده پرداخته است، از ماجرای بیرون رفتن حضرت پیامبر ﷺ و ترک او و خانه او به جای دیگر (خانه ام سلمه) برای وقوع واقعه کساء؛ و توصیف کساء همراه پیامبر ﷺ. البته اشاره ای هم به اجتماع حضرات اهل بیت ﷺ تحت الکساء و نزول آیت تطهیر در فضیلتشان نیز نموده،

که از لحنش معلوم می شود که وی از دور هم ناظر واقعه نبوده؛ و برخی از آنچه را نقل می کند از دیگران شنیده است.

۱۲- عدم ذکر همه نکات و رخدادهاي واقعه کساء در هر روایتی از روایات و نقلهای آن؛ به سبب عدم ارتباط با موضوع حدیث کساء (طهارت الهیه خمسہ طیبہ علیه السلام) یا مقصودشان از بیان نقل واقعه است:

◀ نکته مهمی که در باب فقه الحدیث و درست دریافتن احادیث شریفه؛ همواره مدنظر علماء و فقهاء می باشد؛ ملاحظه شأن صدور هر حدیث است، همانطور که برای فهم صحیح کلام وحی؛ شأن نزول هر آیه یا سوره ملاحظه می شود؛ برای فهم صحیح کلام خازنان وحی علیه السلام نیز شأن صدور آن ملاحظه می گردد، و آن یعنی اینکه هدف از حدیث گفتن؛ و مقصود صاحب حدیث از بیان آن حدیث باید دانسته شود تا آن حدیث درست فهمیده شود.

◀ معارف الهیه و وقایع و احوال حضرات معصومین علیه السلام (و از جمله آنها واقعه کساء) در نقل احادیث؛ همیشه به نحو گزارش همه تفصیلات با جزئیات کامل آنها بیان نشده است، بلکه غالباً اینطور بوده که در هر مناسبت و ضرورتی؛ به تناسب مقام و مقصد آن؛ و نیز با ملاحظه نتیجه مورد نظر در استدلال و احتجاج به آن موضوع، مطالب و نکاتی از اصل و تفصیل آن واقعه بیان شده است.

◀ خلاصه مفاد اصلی حدیث شریف کساء موضوع طهارت و عصمت حضرات اهل بیت علیه السلام می باشد، که شرط امامت و جانشینی

پیامبر ﷺ است، و عمده انگیزه در مقام صدور و بیان این حدیث و مقصود از نقل آن: استدلال به آن؛ و احتجاج بر همین امر (انحصار خلافت پیامبر ﷺ در خاندان نبوت) بوده است.

ولذاست که می بینیم غالب راویان و ناقلان حدیث کساء؛ بیشتر به اصل نزول آیه تطهیر و تعیین شأن نزول آن با ذکر حضرات خمس طیبه ﷺ و نفی افراد دیگر پرداخته اند، با اینکه از نظر ظاهری این افراد جزو ساکنان خانه های پیامبر ﷺ بوده اند.

البته برای اینکه اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ با ساکنان ظاهری خانه های او اشتباه نشوند؛ وقایعی چون راه ندادن ام سلمه (که زوجه حضرت و صاحب آن خانه بوده) و نیز برخی زنهای دیگر (مثل صفیه)، و یا دختر ام سلمه (ربیبه و دخترخوانده پیامبر ﷺ)، و بیرون کردن غلام ام سلمه از اتاق (با اینکه هردوی آنها اهل آن خانه محسوب می شده اند)، نیز در برخی روایات حدیث کساء آمده است.

همه و همه اینها برای تبیین دقیق موضوع حدیث کساء، و تحدید و محدود نمودن دایره اهل بیت آسمانی (صاحب مقامات الهی) به پنج تن شریف ﷺ، و جدا کردن حکم اینان از اهل معمولی خانه هایی که پیامبر ﷺ سکونت داشته (از زوجات و فرزندخوانده ها و خادمان و خدمات) و نیز سایر اقرباء و خویشان حتی دیگر دختران پیامبر ﷺ می باشد.

از این رو فضایی نقل عمده روایات واقعه کساء و تمرکز بیان در نقل

وقایع آن؛ بیشتر روی این جهات بوده، فلذا بیشتر نکات و وقایعی که به این جهات مربوط بوده؛ مورد گزارش و بازگویی قرار گرفته است، بنابراین طبیعی است که همه جزئیات و حوادث واقعه؛ از جمله بسیاری از رخدادها و نکات ارزشمند این واقعه؛ در همه روایات و نقلهای این حدیث شریف (حتی نقل فاطمی عَلَيْهَا) نیامده باشد، چون این امور در اثبات مرتبه طهارت الهیه و اختصاص آن به حضرات خمس طیبه عَلَيْهَا دخالتی نداشته است.

۱۳- عدم التفات به رقایق و دقایق فوق الذکر؛ سبب شده که برخی از افراد در جمع دو نقل متحیر شده، و اتحاد واقعه در این دو نقل را ملتفت نشوند، و مقصره هم این امر را رخنه ای پنداشته؛ تا در اصل واقعه تشکیک کرده؛ یا در نقل مفصل و کامل آن از حضرت فاطمه سَئِلَ عَلَيْهَا القاء تردید کنند، و این شبهه مدفوعه را مقدمه ای قرار دهند برای انکار رخدادها و گفتارهای خاتمه واقعه؛ و آن بشارات الهیه مُنزله سماویه از بیان حضرت جبرائیل عَلَيْهَا و حضرت خاتم الأنبیاء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، و این القاء ابهام را به حدی توسعه دهند تا جایی که تعرض به نص کلام سماوی و حدیث قدسی کساء کرده، و غوغای مجعول پیا نموده، و غائله تنقیص کتب و صحف به راه انداخته، و متن کامل فاطمی عَلَيْهَا آنرا تحریف یا تقطیع کرده، و در صحف و کتب تحت سیطره مقصران آنرا حذف نمایند، اعاذنا الله تعالی و جمیع اهل الحق من هواجسهم و شرورهم. آمین رب العالمین.

۱۴ - شرح واقعه کساء از نقل فاطمی عَلَيْهَا یا ترجمه حدیث کساء:

مشایخ گرامیمان ما را حدیث نمودند با اسنادشان؛ از جابر جعفی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ (باب علوم و اسرار امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام)، از جابر بن عبدالله انصاری رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ (یکی از مؤمنان صحابه)، از حضرت فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام دختر رسول خدا (و محبوبه محبوب الهی) صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جابر گفت: شنیدم فاطمه زهرا (عَلَيْهَا سَلَامُ اللَّهُ) دختر رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ را، که او گفته است:

در برخی از روزها؛ پدرم رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بر من وارد شد؛ و گفت: سلام بر تو ای فاطمه.

پس گفتم: و بر تو نیز سلام باد؛ ای پدرجانم.

پس گفت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: همانا من در بدنم ضعفی می یابم.

پس به او گفتم: ای پدرجان؛ تو را به خداوند تعویذ می دهم از ضعف.

پس گفت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ای فاطمه؛ کساء یمانی را برایم بیاور، و مرا بدان بپوشان.

پس من کساء یمانی را برایش آوردم، و او را بدان پوشاندم.

و مشغول گردیدم به او می نگریدم؛ پس یکباره متوجه شدم چهره اش می درخشد؛ همانند ماه بدر در شبی که تمام و کمال است (شب ۱۴).

پس نگذشت مگر ساعتی؛ که ناگهان دیدم فرزندم حسن عَلَيْهِ السَّلَام آمد، پس گفت: سلام بر تو ای مادر من.

پس گفتم: و بر تو باد سلام؛ ای نور دیده من و میوه دلم.

سپس مرا گفت: ای مادر من؛ همانا من در نزد تو بوی خوشی استشمام می‌کنم، گویا که رایحه دل‌انگیز جدم رسول الله ﷺ است.
پس گفتم: آری ای فرزندم؛ همانا جدّ تو در زیر کساء است.
پس حسن علی‌اشیراء به سویی کساء روی آورد و گفت: سلام بر تو ای جدّ من؛ ای رسول خدا ﷺ، آیا به من اجازه می‌دهی که وارد شوم در زیر کساء با تو؟

پس گفت ﷺ: و بر تو باد سلام؛ ای فرزند من، و ای همراه حوض (کوثر) من، هرآینه به تو رخصت دادم.

پس حسن علی‌اشیراء وارد شد زیر کساء با او.
پس نگذشت مگر ساعتی؛ که ناگهان دیدم فرزندم حسین علی‌اشیراء آمد و گفت: سلام بر تو ای مادر من.

پس گفتم: بر تو باد سلام ای فرزند من، و ای نور دیده ام و میوه دلم.
سپس مرا گفت: ای مادر من؛ همانا من در نزد تو بوی خوشی استشمام می‌کنم، گویا که رایحه دل‌انگیز جدم رسول الله ﷺ است.
گفتم: آری ای پسرکم، همانا جدّت و برادرت زیر کساء هستند.

پس حسین علی‌اشیراء نزدیک شد سویی کساء؛ و گفت: سلام بر تو ای جدّ من؛ ای رسول خدا ﷺ، سلام بر تو ای که خداوند او را برگزیده، آیا به من اجازه می‌دهی که با شما باشم در زیر این کساء؟

پس گفت ﷺ: و بر تو باد سلام؛ ای فرزند من و ای شفاعت کننده امت من، هرآینه به تو رخصت دادم.

پس حسین علیه السلام وارد شد زیر کساء با آن دو.
در این هنگام ابوالحسن علی بن ابی طالب علیه السلام آمد؛ و گفت: سلام بر تو
ای فاطمه؛ ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله.

پس گفتیم: و بر تو سلام باد؛ ای ابا الحسن و ای امیرمؤمنان.

پس گفت علیه السلام: ای فاطمه؛ من بوی خوشی نزد تو استشمام می کنم، گویا
رایحه دل انگیز برادرم و پسر عمویم رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

پس گفتیم: آری؛ این او است که با دو پسر در زیر کساء هستند.

پس علی علیه السلام به سوی کساء روی آورد، و گفت: سلام بر تو ای رسول
خدا؛ آیا رخصت می دهی تا اینکه من نیز با شما در زیر کساء باشم؟

پس به او گفت: و بر تو سلام باد؛ ای برادر من؛ و ای وصی من؛ و
جانشین من؛ و صاحب پرچم من در محشر، آری؛ هر آینه به تو اذن دادم.

پس علی علیه السلام وارد شد در زیر کساء.

سپس (خودم) آمدم به سوی کساء؛ و گفتیم: سلام بر تو ای پدرجانم؛ ای
رسول الله، آیا به من اذن می دهی تا که با شما در زیر کساء باشم؟

پس به من گفت: و بر تو سلام باد؛ ای دختر من؛ و ای پاره تنم، هر آینه
به تو اذن دادم.

پس من نیز وارد شدم به زیر کساء با آنها.

و چون عده ما کامل شد، و همگی ما در زیر کساء جمع شدیم؛ پدرم
رسول خدا صلی الله علیه و آله دو طرف کساء را گرفت؛ و با دست راست به سوی

آسمان اشاره نمود و گفت:

بارالها؛ همانا اینانند اهل بیت (سزاوار خانه) من؛ و خاصه گان من؛ و نزدیکان من، گوشتشان گوشت من است، و خونشان خون من است، به درد می آورد مرا؛ آنچه ایشان را به درد آورد، و غمناک می سازد مرا؛ آنچه ایشان را غمناک می سازد، من در جنگم با هر که با ایشان بجنگد، و در سازشم با هر که ایشان را سازش کند، و دشمنم با هر کسی که با ایشان دشمنی بورزد، و دوستدار آن کسی هستم که ایشان را دوست بدارد، و همانا اینان از من هستند؛ و من از ایشانم، پس بفرست درودهایت و برکتهایت و رحمت و آمرزش و خوشنودیت را؛ بر من و بر ایشان، و پیراسته دار از ایشان پلیدی را؛ و پاک بدار ایشان را پاک (خاصی).

پس خداوند عزّوجلّ گفت: ای فرشتگان من و ای ساکنان آسمانهایم؛ برآستی که من نیافریدم هیچ آسمان نباشده ای را؛ و هیچ زمین گسترده ای را؛ و هیچ ماه تابانی را؛ و هیچ خورشید درخشانی را؛ و (قرار ندادم) هیچ گیتی که گردان است؛ و هیچ دریایی که روان است، و هیچ کشتی که شناور است را؛ مگر بخاطر محبت این پنج تن؛ آنانکه اکنون آنها را در زیر کساء.

پس امین (وحی) جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: ای پروردگار من؛ و چه کسانی در زیر کساء هستند؟

پس خداوند عزّوجلّ گفت: آنها اهل بیت (سزاوار خانه) نبوت؛ و معدن رسالتند، و آنان فاطمه و پدرش و شوهرش و فرزندانش هستند.

پس جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: ای پروردگار من؛ آیا اذن می دهی به من؛ تا اینکه

به زمین فرود آییم؛ برای اینکه با آنها باشم؛ به عنوان ششمین نفر؟

پس خداوند عزّوجلّ گفت: **آری؛ هرآینه به تو اذن دادم.**

پس امین (وحی) جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ فرود آمد و به پدرم گفت: سلام بر تو ای رسول خدا، **علیّ اعلیٰ تو را سلام می رساند، و تو را به تحیّت و گرامیداشت اختصاص فرموده و می گوید:**

سوگند به عزّت من و جلال من، براستی که من نیافریدم هیچ آسمان بناشده ای راه؛ و هیچ زمین گسترده ای راه؛ و هیچ ماه تابانی راه؛ و هیچ خورشید درخشانی راه؛ و (قرار ندادم) هیچ گیتی که گردان است؛ و هیچ دریایی که روان است، و هیچ کشتی که شناور است راه؛ مگر بخاطر شما و **محبت شما،** و هرآینه به من اذن فرموده تا اینکه وارد شوم (در زیر کساء) با شما (باشم)، پس ای رسول خدا تو آیا اذن می دهی به من؟

پس پدرم رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفت: **و بر تو باد سلام؛ ای امین وحی الهی؛ همانا که (پاسخم) آری است، هرآینه به تو اذن دادم.**

پس جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ داخل شد در زیر کساء؛ همراه ما.

سپس جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ به پدرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفت: براستی که خداوند عزّوجلّ هرآینه وحی فرموده به شما؛ و می گوید: **﴿ بدرستی که آنچه خداوند می خواهد این است که: تا شما اهل بیت را پیراسته بدارد از پلیدی؛ و پاک بداردتان پاکي (خاصی)﴾.**

پس علی عَلَيْهِ السَّلَامُ به پدرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفت: ای رسول خدا، مرا خبر ده که: نزد خداوند؛ چه فضیلتی برای نشستن ما در زیر کساء است؟

آنگاه پیامبر ﷺ گفت: سوگند بدان خدائی که مرا پیامبر به حق برانگیخت؛ و مرا به رسالت؛ نجات بخش برگزید، که گزارش (این نشست) ما؛ در محفلی از محافل مردم زمین؛ که در آن گروهی از شیعیان و دوستان ما باشند؛ نمی شود یاد شود مگر اینکه بر ایشان رحمت (الهی) نازل شود، و فرشتگان آنها را در بر گرفته؛ و برایشان آمرزش خواسته؛ تا اینکه (از آن مجلس) متفرق پراکنده شوند.

پس علی عَلِيٍّ گفت: در این صورت؛ به خدا (سوگند) ما رستگار شده ایم، و شیعیان ما رستگار شده اند به پروردگار کعبه (سوگند).

پس پدرم رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دوباره گفت: ای علی؛ سوگند بدان خدائی که مرا پیامبر به حق برانگیخت؛ و مرا به رسالت؛ نجات بخش برگزید، که گزارش (این نشست) ما؛ در محفلی از محافل مردم زمین؛ که در آن گروهی از شیعیان و دوستان ما باشند؛ نمی شود یاد شود، و در میانشان نگرانی باشد؛ جز آنکه خدا نگرانی را برطرف کند، و نه غمناکی؛ جز آنکه خدا غمش را بزاید، و نه حاجتخواهی؛ جز آنکه خدا حاجتش را برآورد.

پس علی عَلِيٍّ گفت: در این صورت؛ به خدا (سوگند) ما رستگار و سعادتمند شده ایم، و همچنین شیعیان ما رستگار و سعادتمند شده اند؛ به پروردگار کعبه (سوگند).

والحمد لله رب العالمين



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ لَهُ خَيْرُ نَاصِرٍ وَمَعِينُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِمَا الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ أَبَدَ الْأَبَدِينَ

قال الله تعالى: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

متن حدیث نورانی کساء

و

کلام قدسی نازل از سماء

طرح و برنامه ریزی پڑوشی و مدیریت و اشرف علی: داسر المعارف الإلهیة

تحقیق و تدوین: پڑوشکده علوم معرفت الہی۔ بنیاد حیات اعلیٰ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَدَّثَنَا مَشَائِحُنَا الْكِرَامُ بِإِسْنَادِهِمْ عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
(بَابُ سِرِّ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ (مِنَ الصَّحَابَةِ الْمُؤْمِنِينَ) عَنْ فَاطِمَةَ
الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ (وَ حَبِيبَةِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)
قَالَ جَابِرٌ: سَمِعْتُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ (عَلَيْهَا سَلَامُ اللَّهِ) بِنْتِ
رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَنَّهَا قَالَتْ:

لِيَحْتَسِبَنَّ حَمَلُ الْوَالِدِ الْكَلِمَةَ
لِمَصْطَبِي الْمَرْصِي بِسَائِمِ الْعَلَمِ

١٢٨٨ هـ

دَخَلَ عَلَيَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي بَعْضِ الْأَيَّامِ، فَقَالَ:
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ.

فَقُلْتُ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَبَتَاهُ.

فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنِّي لَأَجِدُ فِي بَدَنِي ضِعْفًا.

فَقُلْتُ لَهُ: أُعِيدُكَ بِاللَّهِ يَا أَبَتَاهُ مِنَ الضُّعْفِ.

فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا فَاطِمَةُ إِيْتِنِي بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِيِّ وَ غَطِّينِي بِهِ،

فَأَتَيْتُهُ بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِيِّ وَ غَطَّيْتُهُ بِهِ.

وَ صِرْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهِ؛ فَإِذَا وَجْهُهُ يَتَلَأَلُ كَأَنَّهُ الْبَدْرُ فِي لَيْلَةٍ
تَمَامِهِ وَ كَمَالِهِ.

فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً وَ إِذَا بَوَلَدِي الْحَسَنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ أَقْبَلَ
فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّاهُ.

فَقُلْتُ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا قُرَّةَ عَيْنِي وَ ثَمْرَةَ فُؤَادِي.

فَقَالَ لِي: يَا أُمَّاهُ إِنِّي أَشَمُّ (أَشْمٌ) عِنْدَكَ رَائِحَةٌ طَيِّبَةٌ؛ كَأَنَّهَا

رَائِحَةُ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

فَقُلْتُ: نَعَمْ يَا وَلَدِي؛ إِنَّ جَدَّكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ.

فَأَقْبَلَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَحْوَ الْكِسَاءِ، وَقَالَ: أَلَسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
جَدَّاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكَ تَحْتَ
الْكِسَاءِ؟

فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: **وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَيَا صَاحِبَ حَوْضِي؛
قَدْ أَذِنْتُ لَكَ.**

فَدَخَلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَهُ تَحْتَ الْكِسَاءِ.
فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً وَإِذَا بِوَلَدِي الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ أَقْبَلَ، وَ
قَالَ: أَلَسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّاهُ.
فَقُلْتُ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَيَا فُرَّةَ عَيْنِي وَ ثَمْرَةَ
فُؤَادِي.

فَقَالَ لِي: يَا أُمَّاهُ، إِنِّي أَشَمُّ (أَشْمُ) عِنْدَكَ رَائِحَةً طَيِّبَةً؛ كَأَنَّهَا
رَائِحَةُ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.
فَقُلْتُ: نَعَمْ يَا بُنَيَّ؛ إِنَّ جَدَّكَ وَأَخَاكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ.

فَدَنَى الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ: أَلَسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
جَدَّاهُ، أَلَسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ اخْتَارَهُ اللَّهُ، أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَكُونَ

مَعَكُمْ تَحْتَ هَذَا الْكِسَاءِ؟

فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: **وَ عَلَيكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَيَا شَافِعَ أُمَّتِي، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ.**

فَدَخَلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَهُمَا تَحْتَ الْكِسَاءِ.

فَأَقْبَلَ عِنْدَ ذَلِكَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ

قَالَ: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةُ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.**

فَقُلْتُ: **وَ عَلَيكَ السَّلَامُ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَيَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ.**

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: **يَا فَاطِمَةُ، إِنِّي أَشْمُ (أَشْمٌ) عِنْدَكَ رَائِحَةٌ طَيِّبَةٌ؛**

كَأَنَّهَا رَائِحَةُ أَخِي وَابْنِ عَمِّي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

فَقُلْتُ: **نَعَمْ، هَا هُوَ مَعَ وَلَدِيكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ.**

فَأَقْبَلَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا**

رَسُولَ اللَّهِ؛ أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟

فَقَالَ لَهُ: **وَ عَلَيكَ السَّلَامُ يَا أَخِي وَيَا وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي وَ**

صَاحِبَ لَوْائِي فِي الْمَحْشَرِ، نَعَمْ، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ.

فَدَخَلَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَحْتَ الْكِسَاءِ.

ثُمَّ أَتَيْتُ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقُلْتُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَتَاهُ، يَا
رَسُولَ اللَّهِ، أَتَأْذُنِي لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟
فَقَالَ لِي: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا بِنْتِي وَيَا بَضْعَتِي قَدْ أَذِنْتُ
لَكَ.

فَدَخَلْتُ مَعَهُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ.

فَلَمَّا اكْتَمَلْنَا وَاجْتَمَعْنَا جَمِيعًا تَحْتَ الْكِسَاءِ؛ أَخَذَ أَبِي
رَسُولَ اللَّهِ ﷺ بَطَرْفِي الْكِسَاءِ؛ وَأَوْمَى بِيَدِهِ الْيُمْنَى إِلَى
السَّمَاءِ؛ وَقَالَ:

اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَخَاصَّتِي وَحَامَّتِي، لَحْمُهُمْ لَحْمِي،
وَدَمُهُمْ دَمِي، يُؤْلَمُنِي مَا يُؤْلَمُهُمْ، وَيَحْزُنُنِي مَا يَحْزُنُهُمْ، أَنَا
حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ، وَسِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَهُمْ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ
عَادَاهُمْ، وَمُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ، وَأَنْتَهُمْ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُمْ، فَاجْعَلْ
صَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَرَحْمَتَكَ وَغُفْرَانَكَ وَرِضْوَانَكَ عَلَيَّ وَ
عَلَيْهِمْ، وَأَذْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا.

فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: يَا مَلَائِكَتِي وَيَا سُكَّانَ سَمَاوَاتِي؛ إِنِّي

مَا خَلَقْتُ سَمَاءَ مَبْنِيَّةً؛ وَلَا أَرْضًا مَدْحِيَّةً؛ وَلَا قَمَرًا مُنِيرًا؛
وَلَا شَمْسًا مُضِيئَةً؛ وَلَا فَلَكًا يَدُورُ؛ وَلَا بَحْرًا يَجْرِي؛ وَلَا
فُلَكًا تَسْرِي؛ إِلَّا لِمَحَبَّةِ هَؤُلَاءِ الْخَمْسَةِ الَّذِينَ هُمْ تَحْتَ
الْكِسَاءِ.

فَقَالَ الْأَمِينُ جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَبِّ وَمَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟
فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: هُمْ أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَعْدِنِ
الرِّسَالَةِ، (وَ) هُمْ فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا وَبَعْلُهَا وَبَنُوهَا.

فَقَالَ جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَبِّ أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ
لِأَكُونَ مَعَهُمْ سَادِسًا؟

فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ.

فَهَبَّطَ الْأَمِينُ جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَقَالَ لِأَبِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:
عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، الْعَلِيُّ الْأَعْلَى يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَيُخْصُصُكَ
بِالتَّحِيَّةِ وَالإِكْرَامِ وَيَقُولُ لَكَ:

وَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي، إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءَ مَبْنِيَّةً؛ وَلَا أَرْضًا
مَدْحِيَّةً؛ وَلَا قَمَرًا مُنِيرًا؛ وَلَا شَمْسًا مُضِيئَةً؛ وَلَا فَلَكًا يَدُورُ؛

وَلَا بَحْرًا يَجْرِي؛ وَلَا فُلْكًَا تَسْرِي؛ إِلَّا لِأَجْلِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ، وَ
قَدْ أَذِنَ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكُمْ، فَهَلْ تَأْذَنُ لِي أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟
فَقَالَ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَمِينَ وَحِي
اللَّهُ، إِنَّهُ نَعَمْ، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ.

فَدَخَلَ جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَنَا تَحْتَ الْكِسَاءِ.
فَقَالَ جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَبِي ﷺ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ أَوْحَى
إِلَيْكُمْ يَقُولُ: ﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ
أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴾.



فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَخْبِرْنِي مَا لَجُلُوسِنَا هَذَا؛ تَحْتَ هَذَا الْكِسَاءِ؛ مِنَ الْفَضْلِ عِنْدَ اللَّهِ؟
فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا، وَاصْطَفَانِي بِالرَّسَالَةِ نَجِيًّا، مَا ذُكِرَ خَبْرُنَا هَذَا فِي مُحْفَلٍ مِنْ مُحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ؛ وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا وَمُحِبِّينَا؛ إِلَّا وَنَزَلَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ، وَحَقَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ، وَاسْتَعْفَرْتُ لَهُمْ إِلَى أَنْ يَتَفَرَّقُوا.

فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا وَاللَّهِ فُزْنَا وَفَارَزْنَا شِيعَتُنَا وَرَبَّ الْكَعْبَةِ، فَقَالَ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيًّا: يَا عَلِيُّ، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا، وَاصْطَفَانِي بِالرَّسَالَةِ نَجِيًّا، مَا ذُكِرَ خَبْرُنَا هَذَا فِي مُحْفَلٍ مِنْ مُحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ؛ وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا وَمُحِبِّينَا؛ وَفِيهِمْ مَهْمُومٌ إِلَّا وَفَرَّجَ اللَّهُ هَمَّهُ، وَلَا مَغْمُومٌ إِلَّا وَكَشَفَ اللَّهُ غَمَّهُ، وَلَا طَالِبٌ حَاجَةً إِلَّا وَقَضَى اللَّهُ حَاجَتَهُ.

فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا وَاللَّهِ فُزْنَا وَسُعِدْنَا؛ وَكَذَلِكَ شِيعَتُنَا فَارَزُوا وَسُعِدُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ وَرَبَّ الْكَعْبَةِ.
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

